



نشریه علمی تمدن اسلامی و دین پژوهی

سال اول / شماره دوم / زمستان ۱۳۹۸



واکاوی شاخص‌های بارز سلامت رفتاری در تمدن اسلامی با رویکردی بر قرآن و حدیث

فرشته دارابی^۱

(۱۰۵-۸۴)

چکیده

هر تمدنی با توجه به نوع جهان‌بینی و مبانی که دارد؛ تیپ رفتاری خاصی را در بین افراد مدنی خویش اشاعه می‌دهد، تمدن اسلامی نیز، از این قاعده مستثنی نیست. تیپ رفتارهای حاکم بر این تمدن آسمانی در عین حالی که معطوف به رفتارهای عقلانی است به هدف‌های عالی و ارزشمند مادی و معنوی نیز، آراسته است. خصیصه و ویژگی‌های که عامل تمایز رفتار افراد این تمدن عظیم از دیگر تمدن‌ها گشته در صورتی که به درستی نهادینه گردند، پرتو افکنی شان زمان و مکان را درنور دیده و طلوعه‌دار می‌گردند. این پژوهش در عین حال که از روش کتابخانه‌ای- اسنادی استفاده شده با تکیه بر روش کیفی از نوع تحلیل محتوای استنباطی در پی آن است که با پردازش دقیق از واژه رفتار در زبان عربی و اصطلاح تمدن، به بازشناسی شاخص‌های بارز رفتاری افراد در تمدن اسلامی با استناد به آموزه‌های روح بخش ثقلین بپردازد شاخص‌های که در بین تمامی اقشار تمدن اسلامی ثابت و بدون تغییر هستند.

واژگان کلیدی: تمدن اسلامی، سلامت رفتاری، شاخص‌های تمدنی، اجتماع، ارزش‌های دینی و هنجارهای قرآنی.

^۱ - عضو هیأت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم پزشکی تهران -

fereshteh_darabi81@yahoo.com

مقدمه

سلامت چه به صورت فردی و چه جمعی، بی تردید مهم ترین جنبه زندگی است. مسئله ای که از ما قبل تاریخ تاکنون، بشر به منظور دستیابی به آن کوشش کرده است. سلامت، شرط ضروری برای ایفای نقش های اجتماعی است و انسان ها در صورتی می توانند فعالیت کامل داشته باشند که هم خود را سالم احساس کنند و هم جامعه آن ها را سالم بدانند. یکی از مهم ترین جلوه های سلامت، سلامت رفتاری است در آن، سلامت فرد به شدت تحت تأثیر قوانین و مقررات اجتماع و جامعه مدنی قرار می گیرد اما باید توجه داشت که جامعه مدنی و تمدن، تنها عامل مؤثر سازنده و پردازنده در سلامت رفتار انسان نیست و عوامل مؤثر و پرتوان دیگری هم چون: سرشت و طبیعت، عامل وراثت، رفاقت و هم نشینی، تغذیه جسم، تغذیه روح و... را به هیچ وجه نباید از نظر دور داشت؛ اما واقعیت این است که فرد بر اثر زندگی اجتماعی، سخت تحت تأثیر و نفوذ عمیق و همه جانبه مدنیت قرار می گیرد. هر جامعه و تمدنی دارای بینش، گرایش، ارزش ها و مقررات خویش است و این ها هستند که از سویی معیار و میزان سنجش درستی ها و نادرستی ها شناخته می شوند و از سویی رفتار و عملکرد فرد به وسیله این معیارها سنجیده می شود و بر اساس آن ها مورد قضاوت قرار می گیرد. این مجموعه فرهنگ و سنن ملی و مذهبی از چنان عمق و ارج و اصالت و قداستی برخوردار است که از نسلی به نسل دیگر به ارمان می رسد و فرد هنوز دیده به جهان نگشوده، این مجموعه ارزش ها و اندیشه ها حضور دارند و آماده هستند تا او را بر اساس طرح و مدل و برنامه خویش شکل داده و شخصیت او را آن گونه که می خواهند، بسازند.

یکی از تمدن های عظیم و کهن که میلیون ها فرد را در چهارده قرن متوالی در برگرفته است، تمدن اسلامی است. این تمدن عظیم برنامه های همه جانبه را برای تنظیم و تشکیل پیکره رفتاری افرادش دارد. از نظر تمدن اسلامی، رفتار، عبارت است از ارزش های اخلاقی و هنجارهای آرمانی که در قالب دین و شریعت، از سوی خداوند به انسان، ابلاغ شده است. در این رویکرد، هر عملی که در دین بیان شده و سعادت انسان را تأمین کند، به هنجار است و در مقابل، هر آنچه باعث نابودی و انحطاط اخلاقی وی می شود، نابه هنجار محسوب می گردد. طبق این تحلیل، معیار سنجش رفتار، خود «دین» است؛ یعنی انسان باید اعمال و رفتار خود را مطابق دین، تنظیم کند. رستگاری و نیل به فضیلت های معنوی نیز، منوط و وابسته به تهذیب نفس از تیرگی ها و آلودگی های نفسانی، عمل به «بایدها» و «نبایدها»ی دینی است. همان گونه که در آیه شریفه: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكَلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا: بگو:

هر کس بر حسب شکل گیری شخصیتش عمل کند، و پروردگار شما دانایتر است به آنکس که او راه یافته تر باشد.» (اسراء: ۸۴) علامه در تفسیر این آیه آورده است: شاکله" به معنای طریقت و مذهب است اگر مذهب و طریق را شاکله خوانده اند، بدین مناسبت است که آدمی را محدود و مقید می کند و نمی گذارد در آنچه می خواهد آزاد باشد، بلکه او را وادار می سازد تا به مقتضا و طبق آن رفتار کند. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۲۶۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز در این باره می فرماید: «کسی که به آداب خداوندی آراسته گردد، خداوند، او را به سوی رستگاری همیشگی می کشاند.» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۶: ۱۹۷) در صورتی که انسان، اعمال و رفتار خود را با بهره گیری از عقل و در راستای ارزش های دینی تنظیم و هدایت کند، به مرور زمان، ملکه ای در او ایجاد می شود که می تواند همچون عاملی درونی، در رفتار وی نمود پیدا کند، بنابراین، اساسنامه و نظام نامه رفتاری تمدن اسلامی برگرفته از آموزه های ثقلین است. این پژوهش با جست و جو و کنکاش در این آموزه ها به دنبال شاخص ها و خصیصه های رفتاری در بین افراد متمدن اسلامی است که تا بگوید این اساسنامه، حاوی چه شاخص ها و خصیصه های است که گذر زمان با پیشرفت های همه جانبه و ظهور و سقوط حکومت های متعدد، شاکله و ماهیت رفتاری افرادش را تغییر نداده و ویژگی های رفتاری افرادش ثابت و بدون متغییر مانده است؟

مفهوم شناسی

الف. سلامت رفتار: رفتار در لغت به معنای روش، سیر، طرز حرکت و سلوک است (فرهنگ معین) و به سلوک، معامله و معاملت نیز معنا شده است. (دهخدا، ۱۳۷۲، ج ۸: ۱۲۱۵۷) رفتار، در اصطلاح عبارت است از نوع عملکرد اشخاص در جامعه (همان)

روانشناسان برای سلامت رفتاری، دو معنای عمده به دست داده اند که یکی از معانی اثباتی و دیگری سلبی است. دو معنای عمده برای سلامت رفتاری که از سوی آنان بیان شده عبارت است از: ۱- سلامت رفتاری، سلامت از نشانه های بیماری عقلی و روانی است. این تعریف، که از سوی بسیاری از روانشناسان پذیرفته شده است از اشکال و نواقص چندی رنج می برد؛ زیرا درحالی که تعریف، مفهوم سلامتی را در فقدان بیماری بر می شمارد؛ در حالی که بسیاری از افراد فاقد بیماری های روانی و عقلانی وجود دارند که در رفتار خویش ناتوان از واکنش های مناسب و متعادل روحی و روانی می باشند. بی

گمان این افراد از سلامت روانی و رفتاری برخوردار نیستند، هر چند که نشانه های آن در رفتار آنان بروز نمی کند. (حسینی، ۱۳۷۴: ۲۵؛ بوالهروی، ۱۳۷۸: ۴۲)

۲- معنای دیگر «سلامت رفتاری» را سلامت رفتار، برخورد با محیط و اجتماع دانسته به طوری که فرد اگر رفتاری مناسب و تعامل درستی با خود و جامعه از خود بروز دهد، از سلامت روانی برخوردار است. در حقیقت «سلامت رفتاری» عبارت از توازن و اعتدال در رفتار در همه شرایط و اوضاع و واکنش های مناسب در مواجهه با محرک های درونی و برونی است. (هاشمی رکاوندی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۷۱) بر این اساس، «سلامت رفتاری» حالت به نسبت همیشگی است که فرد می کوشد تا با توازن و تعادل با خود و جامعه کنار بیاید و احساس خوشبختی نماید و بتواند خواسته های خویش را برآورده ساخته و در حد امکان از توانایی ها و امکانات بهره گرفته و در برابر مشکلات زندگی بایستد و در راه رشد و تعالی شخصیت خود بکوشد.

در نگرش اسلامی، اکثریت اجتماعی ملاکی برای رفتار سالم و بهنجار و تعیین هنجارها تلقی نمی گردد. صرف رفتار اکثریت هیچ نشانی از سالم بودن و بهنجاری ندارد و هرگاه رفتار اجتماعی بر اساس ملاک هایی همچون عقل، فطرت و یا وحی باشد، رفتاری بهنجار است و در غیر این صورت، نابهنجار محسوب می گردد. برای توصیف رفتار سالم در دین مبین اسلام از تعادل و اعتدال استفاده شده است. به عنوان مثال در آیه شریفه این چنین آمده است: «وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا: و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم.» (بقره: ۱۴۳) از این آیه، این مطلب برداشت می شود که اساس اسلام و ایمان بر پایه اعتدال قرار داده شده است و دستورات دینی، که از جمله ملاک های رفتار بهنجار و سالم می باشند، به دور از هرگونه میل و انحراف است. همان گونه که امام حسن عسکری (ع) درباره رفتار متعادل می فرمایند: «هشیاری را حدی است که چون از آن بگذرد، تباهی است و... شجاعت را حدی است که چون از آن تجاوز کند، تهور است.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۶: ۴۰۷)

البته شایان ذکر است: این اصطلاح در زبان عربی که زبان اصیل آموزه های دینی است. در بیش تر موارد، با عنوان سیره مطرح گردیده است. کلمه سیره در قرآن کریم تنها یکبار آمده است، آن هم در مورد عصای حضرت موسی (ع) آن هنگام که به امر خداوند آن را انداخت که ناگهان به شکل ماری که جنب و جوش داشت، درآمد. خداوند به وی فرمود: «خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَى: آن را بگیر و مترس، ما آن را به سیرت نخستینش باز می گردانیم.» (طه: ۲۱) بنابراین، رفتار همان طرز عملکرد و حرکت افراد

در اجتماع و در برخورد با دیگران است. این اصطلاح در آموزه‌های دینی با عنوان سیره شناخته شده؛ چنان‌که کتاب‌های متعددی با همین عنوان در بررسی و شناخت اصول رفتاری پیامبر عظیم شأن تمدن اسلامی و معصومین (ع) به رشته تحریر درآمده است.

ب. تمدن: "تمدن" در لغت به معنای مدنیت و خارج شدن یک جامعه از مرحله ابتدایی و وحشی‌گری، خوگرفتن به اخلاق و آداب شهرنشینی و... معنا کرده‌اند. برای مفهوم اصطلاحی تمدن، تعریف‌های بسیار گفته شده است. تعریف تمدن از منظر علمای مغرب زمین و تازه‌ترین سخنی که در این موضوع بیان شده، یعنی تعریف ساموئل هانتینگتون، چنین است که تمدن، بالاترین گروه بندی فرهنگی و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی به شمار می‌آید. (هانتینگتون، ۱۳۷۴: ۴۷) هنری لوکاس، تمدن را پدیده‌ای به هم تنیده شده می‌داند که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی هنر و ادبیات را در برمی‌گیرد. (لوکاس، ۱۳۶۶: ۷) ویل دورانت نیز، در این باره می‌گوید: در محل برخورد راه‌های بازرگانی و شهرها است که عقل مردم بارور می‌شود. به باوری تمدن در پی تعالی سجایای اخلاق و خصلت‌های نیک آدمیان پدید می‌آید؛ نظری که در میان عوام نیز، شایع است؛ یعنی کسی که دارای اخلاق پسندیده و حسن معاشرت باشد، آدم متمدنی محسوب می‌شود. از نظر دورانت، شهر می‌تواند محل برخورد راه‌های تجاری باشد و بین این دو مفهوم، اثر متقابل است: در شهر است که عده‌ای از مردم به فکر ایجاد مرکز علم و فلسفه و ادبیات و هنر می‌افتند؛ سخنی که مؤلف تاریخ تمدن آن را به تمثیل چنین بیان می‌دارد: «مدنیت در یک کلبه برزگر آغاز می‌شود و در شهرها به گل می‌نشیند». شرویش را از کشاورزی می‌داند و تکاملش را در شهرنشینی می‌بیند. (دورانت، ۱۳۶۷: ۵)

این تعابیر و تعاریف، ویژه اندیشوران مغرب‌زمینی است، اما از نظر شرقی‌ها، برداشت دیگری برای تمدن نیز، وجود دارد. ابن خلدون تونس‌ی به عنوان قدیمی‌ترین متفکر مسلمان، که از فلسفه تاریخ سخن می‌گوید: تمدن را حالت اجتماعی انسان می‌داند. (ابن خلدون، ۱۳۳۶: ۷۵) اما یک اندیشمند دیگر شمال آفریقا، قرن‌ها بعد از اظهار نظر ابن خلدون تونس‌ی، می‌نویسد: تمدن مجموعه عوامل اخلاقی و مادی است که به یک جامعه فرصت می‌دهد که برای هر فردی از افراد خود در هر مرحله‌ای از مراحل زندگی، از طفولیت تا پیری، همکاری لازم را برای رشد به عمل آورد و تمدن موجب مصونیت زندگی انسان و تأمین روند حرکت و فراهم نمودن مایحتاج فرد است و همچنین وسیله‌ای است برای حفاظت از شخصیت ملی و دینی او (عمرانی، ۱۳۶۹: ۱۹۹-۱۹۸) یک ادیب و متفکر جامعه‌شناس معاصر نیز،

تمدن را واجد جنبه عینی و علمی دانسته، آن را تأمین کننده پیشرفت انسان در هیأت اجتماع می داند، البته او پیشرفت را پیشرفت مادی انسان یاد می کند. (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۱: ۳۸)

با توجه به تعاریفی که بیان گردید تمدن یک نظام اجتماعی است که از امکانات مادی و معنوی برای رشد و تعالی در همه ابعاد و جلوه ها برخوردار است به گونه ای که زندگی افرادش را از جنبه های گوناگون تحت تأثیر قرار می دهد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر یک پژوهش کیفی از نوع تحلیل محتوا است. روش جمع آوری اطلاعات در این پژوهش شامل مطالعات کتابخانه ای - اسنادی به تحلیل محتوای کیفی انجام گرفته است. در مطالعات کتابخانه ای - اسنادی، آیات و روایاتی که در برگیرنده مفاهیمی هستند که شاخص ها و ویژگی های سلامت رفتار مشخص و معرفی نمودند؛ توسط پژوهشگران استخراج گردیده و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده و مشاهده این شاخص های رفتاری در بین افراد متمدن اسلامی از روش تجزیه و تحلیل تم الف استفاده شد. در این روش پس از مطالعه دقیق متون پیاده شده از متن، مفاهیم حاصل از آن استخراج گردیده و به هر کدام یک کد اختصاص داده شد. سپس مفاهیم مشابه شناسایی گشته و با ترکیب آنها تم های فرعی تدوین گردید. جدول زیر حاوی مثال هایی از مفاهیم شناسایی شده در متن پیاده شده یک نمونه متون است. همچنین تم های فرعی اختصاص یافته به این مفاهیم نیز، در جدول قابل ملاحظه می باشد. چنین اقدامی برای همه متن ها انجام شده و در صورت وجود گویه هایی با مضامین مشابه در متن های قبلی از کدهای قبلی استفاده گردید. سپس بر اساس تمامی تم های فرعی شناسایی شده در کل متن ها، دسته بندی کلی تری انجام گرفته و تم های اصلی با استفاده از متون اصیل دینی مورد بررسی قرار گرفته است. بر این اساس، پژوهش حاضر به واکاوی شاخص های بارز سلامت رفتار در تمدن اسلامی با رویکردی بر قرآن و حدیث پرداخته است:

یافته های تحقیق

با توجه به تجزیه و تحلیل های انجام شده، شاخص های سلامت رفتاری افراد متمدن اسلامی در قالب ۹ تم اصلی و ۱۲ تم فرعی به صورت زیر قابل ملاحظه می باشد:

مفاهیم	تم‌های فرعی	تم‌های اصلی
امکان عملی کردن تصمیم‌های فرد یا جامعه، محدود نشدن اندیشه‌ها، نقطه مقابل محدودیت و اسارت، نبودن مانع در برابر اراده و اختیار افراد، قدرت انتخاب، رهایی از قید و بندها.	۱- استقلال ۲- حریت ۳- اختیار	۱- آزاد منشی
نقطه مقابل تکبر و فخر فروشی، احترام به دیگران، تذلل، شکستن نفس، احترام نامشروط.	۱- تربیت نفس ۲- سختی پذیری	۲- تواضع و فروتنی
قابلیت پذیرش، قدرت پاسخگویی و یا به عهده گرفتن کاری، انتخابی آگاهانه، وجدان کاری، احساس همدردی.	۱- وظیفه شناسی ۲- تعهد حرفه‌ای	۳- مسئولیت پذیری
نقطه مقابل ناآگاهی و غفلت، هوشمندی، هوشیاری در برخورد با حوادث و پدیده‌های بیرونی، تحلیل مسائل اجتماعی، دانایی، زیرکی و روشن بینی، آینده نگری، روشن بینی.	۱- ژرف نگری ۲- یقین محوری ۳- آگاهانه	۴- بصیرت افزایی
مصونیت از خطا و اشتباه، عامل مهم تهذیب و تزکیه، مالکیت و کنترل نفس، حفاظت و صیانت، پاکی.	۱- تسلط بر خویشتن ۲- مصونیت	۵- پارسایی
خود نگه داری، ستیز آگاهانه، محصور شدن از هوا و هوس‌ها، مانع در برابر گناهان، حفاظ و پناهگاه.	۱- پرهیزگاری ۲- محدودیت	

مفاهیم	تم‌های فرعی	تم‌های اصلی
ضدّ اندوه، مجموع لذّت‌های بدون درد، سرزندگی، زنده‌دلی، خوش‌دلی، سبکی و چالاکی یافتن برای اجرای امور، حسّ رضایت‌مندی، سرور، حالت خوش و لذّت‌بخش، هیجان و برانگیختگی حسّی، گشاده‌رویی، بالندگی و بشاشت، ذوق و شوق.	۱- مسرت و خوشحالی ۲- خرسندگی	۶- شادی و نشاط
ملاطفت و ملایمت رفتار کردن، ارتباط صمیمانه، تسامح و انعطاف، رحمت، محبت، آرامش، نرم‌خویی، مهربانی و دلسوزی، کنار آمدن.	۱- سازش ۲- رأفت ۳- رفق	۷- نرمش و مدارا
تحمل مخالفتها، تأنی در توسل به قهر و سعی و کوشش در جذب افراد، توان اداره قلب‌ها، شکیبایی و استقامت در برابر مخالفت‌ها بردباری در برابر ناملایمت‌ها.	۱- خویشتن‌داری ۲- صلابت	
تجاوز نکردن به حقوق افراد، رعایت عدالت، اجرای قوانین با مساوات، اعتدال، پرهیز از تبعیض.	۱- رعایت حقوق افراد ۲- برابری و مساوات ۳- درک دیگران	
تشخیص راست از دروغ، صحیح از غلط، دست‌یابی به واقعیت توأم با اندیشه، گرایش به کمال و سعادت، پرهیز از تقلید کورکورانه، راستی‌گزینی، منفعت‌گریزی، حق‌طلبی.	۱- کاوشگری و تکاпоگری ۲- منطقی‌اندیشی	۸- تبیین حقیقت

مفاهیم	تم‌های فرعی	تم‌های اصلی
نقطه مقابل تزویر و ریا، عمل کردن طبق هنجارها، اخلاص رفتار، مطابق واقعیت عمل کردن، عدم تناقض در باطن و ظاهر فرد. مطابقت شعار و عمل.	۱- راستی ۲- هماهنگی درون و برون	۹- صداقت

تفسیر مطالب جدول فوق

شاخص‌ها رفتاری مجموعه از خصال بارز و ممتازی هستند که هر تمدنی با توجه به نوع جهان بینی و نظامی که بر آن حاکم است، آن‌ها را در بین افرادش نهادینه می‌سازد. در این بین، تمدن اسلامی از این قانده مستثنی نیست. این شاخص‌های رفتاری به خودی خود و به آسانی در بین افراد محقق نمی‌شوند؛ مگر اینکه پشتوانه محکمی و قابل اعتمادی داشته باشند. در تمدن اسلامی پشتوانه شاخص‌های رفتاری افراد که همان اساسنامه این تمدن عظیم را تشکیل می‌دهد، برگرفته از آموزه‌های قرآن و روایات است. در این قسمت با استناد به این آموزه‌ها، شاخص‌های رفتاری افراد متمدن اسلامی استخراج گردیده که عبارتند از:

۱. آزاد منشی: آزادی از آن جهت به عنوان مشخصه رفتاری در تمدن اسلامی محسوب می‌شود که موجب به منصه رساندن استعدادها و تکامل مادی و معنوی آدمی می‌شود، شرایط و زمینه را فراهم می‌کند که آدمی در آن بتواند به سهولت به اهداف و مقاصد مادی و معنوی نائل شود. این مسأله تا جایی حائز اهمیت است که شهید مطهری در این زمینه فرموده‌اند: «هر اندازه که فرد بتواند آزاد زندگی کند، به همان اندازه، انسان است، پس آزادی، معیار انسانیت است.» (مطهری، ۱۳۷۰، ج ۲۳: ۶۶۴)

از دیدگاه اسلام، آزادی به عنوان یکی از شاخص‌های بارز رفتاری انسان مورد شناسایی قرار گرفته به گونه‌ای که وقتی به قرآن مراجعه شود، به وضوح قابل مشاهده است که چقدر در قرآن کریم این کلمه اوج دارد، و این عجیب است. یکی از حماسه‌های قرآنی، همین موضوع آزادی است. به عنوان مثال شما در هیچ جا نمی‌توانید زنده‌تر و موجدتر از این جمله‌ای که قرآن دارد، بیابید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا

إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ: بگو: ای اهل کتاب، به سراغ عقیده‌ای بیایید که میان ما و شما یکسان است، اینکه جز خدای یگانه را نپرستیم و هیچ چیز را با وی شریک ندانیم و هیچیک از ما دیگری را بجای خدا، ارباب نگیرد. پس اگر روی گردانیدند بگویید: گواه باشید که ما مسلمانیم.» (آل عمران: ۶۴) طبق این آیه شریفه هیچ یک از افراد بشر دیگری را بنده و برده خودش نباید بداند و هیچ کس هم یک نفر دیگر را ارباب و آقای خودش نباید بداند.

همچنین در آیات دیگر و احادیث معصومین (ع) به خصلت‌ها و ویژگی‌هایی که دال بر آزادی یا نقطه مقابل آن استخفاف، بردگی و خفقان می‌باشد، اشاره شده است. به عنوان نمونه خداوند درباره فرعون می‌فرماید: فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ: و فرعون (با این تبلیغات مسموم کننده) ایل و تبارش را خوار و ذلیل داشت تا همه مطیع فرمان وی شدند. (زخرف: ۵۴) در تفسیر آیه شریفه این چنین آمده است: اصولاً راه و رسم همه حکومت‌های جبار و فاسد این است که برای ادامه خودکامگی باید مردم را در سطح پائینی از فکر و اندیشه نگهدارند، و با انواع وسائل آنها را تحمیق کنند، آن‌ها را در یک حال بیخبری از واقعیت‌ها فرو برند و ارزش‌های دروغین را جانشین ارزش‌های راستین کنند، و دائماً آنها را نسبت به واقعیت‌ها شستشوی مغزی دهند؛ چرا که بیدار شدن ملت‌ها و رشد فکری آن‌ها بزرگ‌ترین دشمن حکومت‌های خودکامه و شیطانی است که با تمام قوا با آن مبارزه می‌کنند! این شیوه از بردگی؛ یعنی استخفاف عقول با شدت هر چه تمام‌تر در عصر و زمان کنونی بر همه جوامع فاسد حاکم است، اگر فرعون برای نیل به این هدف، وسائل محدودی در اختیار داشت، طاغوتیان امروز با استفاده از وسائل ارتباط جمعی، مطبوعات، فرستنده‌های رادیو تلویزیونی، و انواع فیلم‌ها، و حتی ورزش در شکل انحرافی، و ابداع انواع مدهای مسخره، به استخفاف عقول ملت‌ها می‌پردازند، تا در بیخبری کامل فرو روند و از آنها اطاعت کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲: ۸۸) این در حالی است که در رفتار تک تک افراد تمدن اسلامی به وضوح، آزاد منشی قابل مشاهده است. این حقیقت، زمانی بیش‌تر مشخص می‌گردد؛ که خداوند به پیامبر اسلام (ص) گوشزد می‌نماید، تو بر کسی تسلط و چیرگی نداری، و نباید کسی را مجبور به عملی نمایی به استناد آیه شریفه: «لَسْتُ عَلَيْهِمْ بِمُصِيطِرٍ: بر آنان تسلطی نداری» (غاشیه: ۲۲) پس زمانی که خداوند متعال، پیامبر این تمدن عظیم را چنین مورد خطاب قرار می‌دهد؛ در مورد افراد دیگر، نیازی به بحث نیست.

حضرت علی (ع) مظهر آزاد مردان تمدن اسلامی، در کنش ها و واکنش های اجتماعی آزادی را به تصویر می کشد. امام به فرزندش در اهمیت آزادی، خطاب به همه بشریت می فرماید: بنده دیگری مباش که خداوند تو را آزاد آفریده است. (نهج البلاغه، نامه ۳۱) بنابراین، آزادی از شاخص های بارز و مثبت ترقی، تجلی و تکامل رفتاری در تمدن اسلامی می باشد. در نگرش دینی، فرد، زمانی آزاد است که می تواند بر خود و بندهای درونی و شهوانی چیره شده و از بند بندگی و بردگی بیرونی و سلطه دیگران رهایی یابد؛ یعنی در بُعد روان شناسی و اجتماعی از آزادی های رفتاری و اندیشه ای برخوردار می شود. در این هنگام است که می توان او را موجودی واقعاً مختار و آزاد و مسئولیت پذیر دانست و به عنوان يك انسان کامل، جانشینی خدا را به او واگذار نمود. در نهایت اینکه آزادی یکی از بزرگ ترین و عالی ترین ارزش های رفتاری انسانی است. طبق آموزه های اسلامی، این مشخصه رفتاری تمدن اسلامی در برگرفته دیگر خصوصیات رفتاری در فرد می شود؛ زمانی که فرد آزاد باشد به تبع آن، دیگر رفتارهای وی نیز رفتارهای انسان منشانه و درست می باشند. در مقابل، هنگامی که فرد آزاد نباشد؛ نمی توان انتظار رفتاری صحیح و درست را داشت و تمام خصیصه های رفتاری دیگر را نیز تحت شعاع قرار می دهد؛ و عرصه را بر ظهور صحیح آنان نیز تنگ خواهد کرد.

۲. تواضع و فروتنی: بهترین صفت انسانی و کامل ترین رفتار اجتماعی را می بایست از فروتن و تواضع انتظار داشت. تواضع زینتی است برای رفتار انسان ها و نعمتی است که سربلندی را برای فرد به ارمغان می آورد. فقیه بزرگ علامه نراقی در تعریف این گونه تواضع چنین می نویسد: «تواضع عبارت است از شکسته نفسی، که نگذارد آدمی خود را بالاتر از دیگری ببیند، و لازمه آن کردار و گفتار چندی است که دلالت بر تعظیم دیگران و اکرام ایشان می کند.» (نراقی، ۱۳۵۱: ۳۰۰)

فروتنی صفتی باارزش است که از باطنی پاک و بی آلاش سرچشمه می گیرد و نشانه های آن در رفتار انسان جلوه می کند و با توجه به رفتار افراد، می توان روحیه تکبر یا تواضع شان را تشخیص داد. قرآن کریم در این باره می فرماید: «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا: و بندگان حق آن کسان هستند که بر زمین با کمال آرامی و فروتنی می روند و چون با بیخردی برابر شوند سلام بگویند.» (فرقان: ۶۳) پس مؤمنین، هم نسبت به خدای تعالی تواضع و تذلل دارند و هم نسبت به مردم چنین اند، چون تواضع آنان مصنوعی نیست، واقعاً در اعماق دل، افتادگی و تواضع دارند. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۳۳۱)

در جایی دیگر خدای عزوجل گرامی ترین مخلوق خود حضرت محمد(ص) را به فروتنی امر می کند: «وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ: و برای آن مؤمنانی که تو را پیروی کرده اند، بال خود را فرو گستر» (شعراء: ۲۱۵) در تفسیر این آیه آورده اند: یعنی با مؤمنان، نرمی و ملایمت کن عرب به کسی که با وقار و بردبار باشد، گوید: «خافض الجناح» و این نشانه محبت است، بنابراین، مقصود این است که: پیامبر(ص) باید با مؤمنان متواضع باشد، تا آنها از وی پیروی کنند (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۳: ۲۱۵) پس حقیقت تواضع آن است که با مردم بهتر از آن رفتار نماید که خود دوست دارد دیگران با او رفتار نمایند. امام هادی (ع) در همین راستا، و در بیان قاعده طلایی رفتار اجتماعی با دیگران می فرماید: "فروتنی در آن است که با مردم چنان کنی که دوست داری با تو چنان باشند." (فیض کاشانی، ۱۳۸۵، ج ۵: ۲۲۵)

نتیجه این که تواضع یک حالت خشوع و خضوع معقول درونی است که نشانه های آن در رفتار و کردار و گفتار آشکار می شود. و گاهی ممکن است، انسان از نظر روحی به مرحله این حالت نرسد، ولی بتواند در عمل و رفتار، خود را براساس موازین تواضع، هماهنگ سازد. این خصلت رفتاری موجب نشر ارزش ها، و مایه شرافت و کرامت، و زینت انسان های والا، و موجب وقار و آرامش و رفعت مقام، و جوشش چشمه های حکمت در روح و روان، و دوستی و سلامتی، و فور نعمت بوده و اسلحه نیرومند در برابر نیرنگ های ابلیس است و باعث افزایش عقل و درایت می باشد.

۳. بصیرت افزایی: بصیرت نیز به عنوان شاخص رفتاری در تمدن اسلامی شناخته شده است؛ چراکه این امر موجب می شود؛ انسان متمدن در بررسی پدیده ها و حوادث با تأمل و تدبیر رفتار کند و بازیچه هوس ها و دریافت های شخصی و فردی نشود؛ بلکه با شناختی عمیق این وقایع را مورد تحلیل و واکاوی قرار دهد. در اهمیت این شاخص رفتاری آمده است: اشخاص فاقد بصیرت، فاقد حیات انسانی هستند؛ چون اندیشه آنان در تاریکی است و حقیقت را نمی بینند و به همین دلیل راه رشد و سعادت را هم نمی شناسند. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۹: ۴۱۷-۴۰۹)

طبق منطق قرآن شاخص مهم هر رفتار و حرکتی، بصیرت و آگاهی است. اهمیت و جایگاه بصیرت، در روشن بینی و درک درست از شرایط و فضاها، چنان است که قرآن کریم یکی از ویژگی های پیامبر اکرم(ص) و پیروانش را داشتن بینش صحیح در رفتارها و کردارها می داند: مؤید این مطلب آیه شریفه: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِ: بگو: این

راه من است: من و کسانی که از من پیروی کردند به خدا دعوت می‌کنیم از روی بصیرت، و منزّه است خدا، و من از مشرکان نیستم.» (یوسف: ۱۰۸) سبیلی که در آیه شریفه آمده، همان دعوت با بصیرت و یقین بسوی ایمان محض و توحید خالص است و معلوم است که در چنین سبیلی، تنها کسانی شرکت دارند که در دین مخلص برای خدا باشند و عالم به مقام رب العالمین و دارای بصیرت و یقین بوده باشند، و چنین نیست که هر کس که کلمه "تابع رسول خدا (ص)" بر او صادق بود او نیز، شریک در این دعوت بوده باشد. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۱: ۳۷۹) هم چنین، سید قطب در ذیل آیه شریفه بیان نموده است: پیامبر (ص) فرموده که ما از روی بصیرت و ادراک معرفت حرکت می‌کنیم، نه از روی سرگردانی، لغزش، حرص و... که همین امر موجب تفکیک و تمیز بین ما و مشرکین است. (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۴: ۱۰۳۴) در جایی دیگر خداوند متعال برای نشان دادن اهمیت بصیرت به یک قیاس دست می‌زند، و نقطه مقابل افراد بینش محور را اشخاص کور می‌داند که قدرت تشخیص ارزش‌ها و حقایق را ندارند، طبق آیه شریفه: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَ الْبَصِيرُ: بگو: آیا نابینا و بینا یکسانند.» (رعد: ۱۶) در تفسیر آیه آمده است: بگو آیا برابر می‌باشد نابینا که عابد صنم است و در تاریکی کفر و شبهه گرفتار و الْبَصِيرُ و بینایی که پرستنده خداست و با بصیرت به روشنایی ایمان، حجت و برهان آشکار یا برابر باشد. (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۵: ۱۰۲)

در احادیث آمده که اهل بیت عصمت و طهارت نیز از مؤلفه‌های رفتاری انسان متمدن اسلامی را بر اساس بینش و بصیرت دانسته شده اند. همان گونه که امام علی (ع) می‌فرماید: ای کمیل هیچ حرکت و رفتاری نیست، مگر اینکه در آن، نیاز به بصیرت و معرفت داری (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۱۷) آیت الله خامنه‌ای مد ظله العالی نیز، در اهمیت این شاخص رفتاری مهم انسان متمدن، آن را به یک قطب نما تشبیه می‌نماید که قدرت تشخیص راه حق از باطل را به انسان ارزانی می‌دهد. بصیرت قطب نمای حرکت صحیح در اوضاع اجتماعی پیچیده‌ای امروز است، به گونه‌ای که اگر کسی این قطب نما را نداشته باشد و نقشه خوانی را نداند، ممکن است، ناگهان خود را در محاصره دشمن ببیند. اگر بصیرت نباشد انسان حتی با نیت خوب ممکن است گمراه شود و در راه بد قدم بگذارد. (هفته نامه صبح صادق، ۲۰ مهر ۱۳۸۸: ۲) بنابراین تأکید آیات و روایات این فهم را می‌رساند که «بصیرت» از صفات شایسته رفتاری است که هر مسلمان در زندگی مدنی خویش باید از آن برخوردار باشد. این خصیصه

رفتاری، همچون ابزاری است که حق را از باطل تمیز می دهد و باعث می شود؛ مسیر حرکت و اعمالی که افراد باید انجام دهند و یا از آنان دور گردند؛ برای افراد متمدن اسلامی شفاف گردند.

۴. **پارسایی:** به دنبال شناخت از عامل تهدید کننده و ترس ناشی از آن، انگیزه محافظت و نگهداری از خود، در فرد به وجود می آید. به نظر می رسد این، همان چیزی است که می توان از آن به بُعد رفتاری تقوا تعبیر کرد. بنابراین، حالت آگاهی از عامل تهدید کننده، نوعی انگیزه مصونیت و خودنگهداری را در فرد ایجاد می کند تا با برنامه ریزی های پیشگیرانه، از آسیب های احتمالی جلوگیری کند. افرادی که تقوا را به «نگهداری» و «محافظت نفس در برابر گناهان» تعریف کرده اند، در حقیقت، به این معنا اشاره دارند.

خداوند در قرآن می فرماید: «وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ: و بهترین جامه، [لباس] تقوا است.» (اعراف: ۲۶) در تفسیر این آیه آمده است: تشبیه تقوی و پرهیزکاری به لباس، تشبیه بسیار رسا و گویا است، زیرا همان طور که لباس بدن انسان را از سرما و گرما حفظ می کند، و هم سپری است در برابر بسیاری از خطرهای و هم عیوب جسمانی را می پوشاند و هم زینتی است برای انسان، روح تقوی و پرهیزکاری نیز، علاوه بر پوشانیدن بشر از زشتی گناهان و حفظ از بسیاری از خطرات فردی و اجتماعی، زینت بسیار بزرگی برای او محسوب می شود. زینتی است چشمگیر که بر شخصیت او می افزاید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۱۳۲) در روایات نیز تقوا، به معناحفاظ و چیزی که انسان به وسیله آن از آسیب ها و تهدیدها مصون می ماند، تشبیه شده است شما را به تقوای الهی سفارش می کنم هان! تقوا را حفظ کنید و خود را به وسیله آن، محفوظ بدارید. (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۱)

امام علی (ع) در این باره می فرماید: تقوا داروی درد دل های تان، بینایی کوری باطن تان، شفای بیماری اجسادتان، صلاح فساد سینه های تان، پاکی چرک نفوستان، جلای پرده دیدگان تان، ایمنی خوف دل های تان، و روشنی تاریکی جهل تان می باشد. (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۹) در آیات و روایات، پارسایی، به عنوان یک عامل مهم تزکیه و تهذیب و چیزی که از درون اعمال و رفتار انسان را هدایت و کنترل می کند، یاد شده است. بنابراین، می تواند به افراد کمک کند تا با پرورش تقوا، رفتار خود را در جهت اهداف عالی انسانی تنظیم کنند. هر اندازه که افراد بتوانند این دو ویژگی رفتاری را که موجب رشد و تعالی معنوی می شود، در خود فراهم آورند، به میزان بالایی از خطاها و بیماری ها و انواع فشارهای روانی مصون می مانند.

۵. تبیین حقیقت: از شالوده‌های عملی و رفتاری افراد در تمدن اسلامی، حق محوری است. این خصیصه رفتاری به گونه‌ای حائز اهمیت است که نتیجه ندادن تلاش پیامبران و مصلحان که در راستای زدودن عوامل و موانع معنوی در جامعه بوده، به خاطر آن بوده که مخاطبین شان معمولاً عملکرد رفتاری شان را بر این مبنا، استوار نکردند. حق از مقدس‌ترین واژه‌هایی است که در اسلام از اساسی‌ترین معیارهای ارزشی قرار گرفته است و از نظر اسلام، هیچ چیز نباید مانع از حق‌جویی، حق‌گویی و حق‌پذیری انسان شود.

از نظر قرآن، انسان به طور طبیعی و فطری حق‌خواه است و رفتاری حق‌محورانه دارد، زیرا کمال‌گرایی و نقص‌گریزی در انسان، فطری و طبیعی است و از آن جایی که کمال، تنها در حق یافت می‌شود و باطل جز نقص نیست، به حق‌گرایش دارد و از باطل، گریزان است، البته انسان‌هایی که فطرت و طبیعت سالم و خدادادی خویش را از دست داده‌اند، به سبب این که دچار بیمار دلی و سنگ دلی شده‌اند و ماهیت خود را دست‌خوش تغییر جدی ساخته‌اند، ناتوان از درک حق و باطل بوده و کمال و نقص را نمی‌شناسند و حتی به سوی باطل‌گرایش می‌یابند و آن را با تمام وجود می‌جویند طبق آیه شریفه: «بَلْ جَاءَهُم بِالْحَقِّ وَ أَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ: بلکه او برای‌شان درستی و حق و حقیقت آورده است ولی بیشتر آنها حق را نمی‌پسندند.» (مومنون: ۷۰) در این آیه اگر کراهت را به اکثر نسبت داده بدین جهت است که بسیاری از ایشان مستضعف‌اند که اعتنایی به خواستن و نخواستن شان نیست. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۶۳)

امام صادق (ع) در روایتی خطاب به یارانش می‌فرماید: «مردم را به راه و برنامه خویش فرا بخوانید، اما با چیزی غیر از زبان تان؛ یعنی با عملکرد و رفتار شایسته، دعوت به حق کنید.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸: ۱۹۹) امام علی (ع) نیز در این باره فرموده‌اند: حق سزاوار است که تبعیت شود. (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۴: ۲۱۶) براین اساس، رفتار انسان متمدن بر مبنای حق‌مداری است که به تبع آن، از روحی آزاد و متنبه برخوردار است و از تقلید کورکورانه و تبعیت از اعظم نیاکان خویش که بر روش و منش اشتباهی - اند، به شدت پرهیز می‌نماید؛ زیرا این امور، موجب می‌شود که اندیشه نو و تازه‌ای برای یافتن و عمل کردن به حق حاصل نشود.

۶. شادی و نشاط آفرینی: از دیگر شاخص‌های بارز رفتاری در تمدن اسلامی، شادابی و نشاط افراد می‌باشد. انسان سالم سرشار از شادی است و از جزئی‌ترین امور زندگی خود سعی می‌کند، شادی بسازد

و در شادی، به تکامل می‌رسد. (مازلو، ۱۳۶۷: ۴۸) اسلام با توجه به نیازهای اساسی انسان، شادی و نشاط را تحسین و تأیید کرده است. قرآن که بهترین و مستحکم‌ترین منبع اسلام به شمار می‌رود، زندگی با نشاط و شادی را نعمت و رحمت خدا تلقی فرموده است «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَاكَ فَلَيْفَرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ: بگو: به فضل و رحمت خداست که [مؤمنان] باید شاد شوند و این از هر چه گرد می‌آورند، بهتر است.» (یونس: ۵۸) شادی ارزشمند است که باعث تکامل و آرامش انسان شود اما اگر انسان را از پیمودن راه تکامل بازدارد، ارزش ندارد. (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱۰: ۳۰۴)

این خصیصه رفتاری، در سیره ائمه اطهار نیز، بارها مورد تأکید قرار گرفته است. به عنوان مثال، امام علی (ع) می‌فرماید: شادی باعث انبساط روح و ایجاد وجد و نشاط می‌شود. (محمدری شهری، ۱۳۶۲، ج ۴: ۴۳۶) و امام صادق (ع) روایت شده: از جمله دوست‌ترین اعمال نزد خداوند عزوجل شادی رسانیدن به مؤمن است. (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۳: ۲۷۶) بنابراین، شادابی مؤمنانه از مهم‌ترین خصیصه‌های رفتاری در افراد متمدن اسلامی است. تمدن اسلامی، تمدنی خشک و بی‌روح نیست؛ بلکه با استناد به منابع اصیل این تمدن، مشخص گردید افرادش بارها به شادابی و نشاط تشویق شدند. در پرتو شادی است که انسان می‌تواند خویش را بسازد و قله‌های سلوک را چالاکانه بپیماید و در زندگی مدنی خود، نقش سازنده خود را ایفا کند.

۷. نرمش و مدارا: این شاخص نیز، از آن رو به عنوان یک شاخص رفتاری تمدن اسلامی شناخته می‌شود که حالتی استقامتی در درون افراد برای انجام بسیاری از ارزش‌ها و خصلت‌ها و یا ترک امور ضد ارزشی می‌نماید. انسان شکیباهنگامی که با مشکلی روبه‌رو می‌شود، خود را نمی‌بازد و بر خود مسلط است. این امر، سبب می‌شود که زود از کوره بیرون نرود و با رخدادهای زندگی، عاقلانه برخورد می‌کند و در نتیجه، با انتخاب گزینه درست، رفتاری صحیح از خود بروز می‌دهد. (شبر، ۱۳۸۳: ۴۶)

این عنصر اساسی رفتاری مهم از سفارشات مؤکد دین اسلام و پیشوایان دینی است، به گونه‌ای که هرگاه خداوند متعال به پیامبر (ص) خویش دستور به انجام فرمانی ارزش می‌نماید و از آنجا که فرد برای به ثمر رسیدن این امور ارزش در زندگی متمدن متحمل به مشقت و رنج می‌شود، سفارش به صبر می‌نماید. چنان که خداوند متعال می‌فرماید: «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهِمْ: پس همان گونه که پیامبرانِ نستوه، صبر کردند، صبر کن، و برای آنان شتابزدگی به خرج مده» (احقاف: ۳۵) زندگی پیامبران بزرگ خدا (ص) به ویژه، پیامبر اسلام (ص) بیانگر مقاومت بی‌حد و حصر آنها در برابر حوادث

سخت و طوفان های شدید، و مشکلات طاقت فرسا است و با توجه به اینکه مسیر حق همیشه دارای این گونه مشکلات است. رهروان راه حق باید از آنها در این مسیر الهام بگیرند و این صبر و شکیبایی در برابر مشکلات چراغ هدایتی در زندگی افراد است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۱: ۳۷۴) در آیه دیگری نیز، در اهمیت صبر آمده است: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ: از شکیبایی و نماز یاری جوئید. و به راستی این [کار] گران است، مگر بر فروتنان» (بقره: ۴۵) این خصیصه رفتاری در سنت رسیده از اهل بیت (ع) نیز، بارها مورد تأکید و توجه قرار گرفته است و در ضمن روایاتی، افراد تمدن اسلامی را تشویق به مزین کردن رفتارهای شان به فضیلت کرده اند. حضرت رسول اکرم (ص) در اهمیت این خصیصه رفتاری فرموده اند: صبر در پیکره ایمان، همانند سر به جسم می باشد. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۸۸) حضرت علی (ع) نیز، در این باره می فرماید: با صبر و استقامت نعمت های خدا را بر خود تمام گردانید، و از عصیان و نافرمانی کناره گیرید. (نهج البلاغه، ۱۸۸ خطبه)

تأکید آیات و روایات، این فهم را می رساند که «صبر هم ضرورت دنیوی است و هم یک ضرورت دینی، بدون صبر نه دین پایدار می ماند، نه دنیا برقرار. هر که صبر پیش گیرد به هر چه می خواهد دست می یابد؛ و هر که صبوری نکند، هیچ گاه به هیچ چیز دست نمی یابد. صبر برای ادامه زندگی هر انسان ضرورت دارد و برای انسان های مؤمن ضرورت افزون تری می یابد.» (مروتی، ۱۳۸۱: ۱۴۷) به این ترتیب، طبق سیره ائمه (ع) و قرآن مجید، یکی از شاخص های رفتاری، برخورداری انسان از روحیه تحمل و شکیبا بودن است، و همواره در روابط اجتماعی اش از خشم و غضب می پرهیزد. رفتارهای خشم آلود و شهوت رانی اغلب حزن و اندوه طولانی در پی دارند. تحمل پذیری و شکیبایی در برابر مشکلات، قدرت انسان را چند برابر می کند و هنگامی که با مشکلی روبه رو می شود، خود را نمی بازد و بر خود مسلط است. این امر سبب می شود که زود از کوره بیرون نرود و با رخداد های زندگی عاقلانه برخورد. این خصیصه رفتاری انسان متمدن اسلامی به همه ی آرمان ها و اهداف مادی و معنوی جلوه تحقق می بخشد؛ زیرا به وسیله این عنصر مهم رفتاری است که می توان بر سختی ها و ناملایمات روزگار فایق آمد.

۸. صداقت: از دیگر شاخص های رفتاری تمدن اسلامی صداقت است که بدون این خصلت نیک و ستوده مدنیت پوچ و بی معنی خواهد بود؛ زیرا صداقت به دلیل آثار و پیامدهای مثبت و تعالی بخشی که بر جای می گذارد مانند اعتماد افراد یک مدنیت به همدیگر، شفاف سازی امور، عدم ریاکاری و... اهمیت می یابد. به همین جهت، در آیات و روایات زیادی به این شاخص رفتاری و صفت مهم تمدن

اسلامی تأکید و تصریح شده است، به گونه ای که می توان گفت: هیچ تمدنی به این شاخص مهم رفتاری دست نخواهد یافت مگر اینکه گفتار، رفتار، وعده و وعیدهای شان با عمل شان مطابقت داشته باشند. در تأیید این سخن می توان به این شریفه اشاره کرد: «وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ: و کسانی که به خدا و پیامبران وی ایمان آورده اند، آنان همان راستین هستند.» (حدید: ۱۹) صدیق فردی است که جمیع گفتار، اعمال و حرکات و در همه چیز بر راستی و درستی عمل نماید. رفتارهای انسان ها می تواند صادقانه یا غیر صادقانه باشد ولی یک زندگی اجتماعی در صورتی سالم خواهد بود که روابط افراد در آن بر اساس صداقت استوار باشد. دروغگویی گذشته از گناه بودن و تأثیر منفی که روحیات و زندگی دنیوی و اخروی شخص دروغگو داده زندگی اجتماعی دیگران را نیز، تحت تأثیر قرار می دهد.

منابع روایی اسلامی با الفاظ و تعابیر مختلفی بر راستگویی مسلمانان تأکید کرده و آن را از شاخص های رفتاری مؤمنان به حساب آورده اند. به عنوان مثال: امام علی (ع) از شاخص های مهم رفتاری پیامبر اعظم (ص) تمدن اسلامی را صداقت معرفی نموده و در ضمن روایتی فرموده اند: «مصطفی صلی الله علیه و آله به صداقت و راستی قدم در میدان گذاشته و به ارشاد و هدایت مردم پرداخته است.» (حسکانی، ۱۳۸۰: ۲۴۵) هم چنین در حدیث دیگری از ایشان نقل شده است: «هر کس با خدا به صداقت و راستی رفتار کند، نجات یابد.» (مفید، ۱۳۶۴: ۱۳۰) بنابراین صداقت این شاخص بارز رفتاری، پیامدهای ارزشی را در تمدن اسلامی دارا است که منشاء تحول و اصلاح امور دانسته شده و زمینه های نیک بختی و گشوده شدن دریچه های سعادت و بهره وری را برای تحقق آرمان و اهداف تمدن اسلامی فراهم می آورد.

۹. **مسئولیت پذیری:** از شاخص های رفتاری انسان متمدن، حس مسئولیت نسبت به افراد است، بدین گونه که انسان متمدن بوسیله این حس وظیفه، ممنوع خویش را از دست و پا زدن در ورطه هلاکت و سقوط مادی و معنوی رهایی بخشیده و به سوی حق و حقیقت راهنمایی می کند. این شاخص تا جایی حائز اهمیت است که شهید مطهری آن را یکی از معیارهای انسانیت برشمرده است. (مطهری، ۱۳۷۰، ج ۲۳: ۶۶۵)

خداوند متعال نیز، زمانی که مؤمنانش را وصف می کند به این شاخص رفتاری استناد می کند و می فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ: مؤمنان، همان کسانی اند که چون از خدا یاد شود دلهایشان بترسد، و چون آیات او بر آنان

خوانده شود بر ایمانشان بیفزاید، و بر پروردگار خود توکل می‌کنند.» (انفال: ۲) «وجل» همان حالت خوف و ترسی است که سرچشمه آن گاهی به خاطر درک مسئولیت‌ها و احتمال عدم قیام به وظایف لازم در برابر خدا می‌باشد که این حالت به عنوان یکی از صفات مؤمنان ذکر شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۸۷) مسئولیت‌پذیری از چنان اهمیتی برخوردار است که بسیاری از تفاسیر از امانت الهی، به همان تعهد و قبول مسئولیت یاد شده است و علت اینکه این امانت عظیم، به انسان سپرده شد، این بود که او این قابلیت را داشت و می‌توانست ولایت الهی را پذیرا گردد؛ یعنی در جاده عبودیت و کمال بسوی معبود لایزال سیر کند. (همان، ج ۷: ۸۹)

در قرآن کریم، آیات فراوانی وجود دارد که اهمیت مسئولیت را برای انسان بیان کرده است؛ مثلاً قبول مسئولیت در این آیه شریفه به بار سنگین تشبیه شده است؛ «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى: و هیچ بار بردارنده‌ای بار [گناه] دیگری را بر نمی‌دارد.» (فاطر: ۱۸) در برخی از تفاسیر «وزر» به معنای «مسئولیت» آمده است. خداوند در این آیه ما را به این معنا رهنمود می‌کند که بار سنگین مسئولیت را احدی جز خود انسان بر دوش نمی‌کشد و در روز رستاخیز هر کس مسئول پاسخ‌گویی به اعمال خویش است. (نجفی خمینی، ۱۳۹۸، ج ۱۶: ۲۲۶؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۵)

مسئولیت‌پذیری در لسان روایات نیز، همواره از اهمیت بالایی برخوردار بوده است. حضرت علی (ع) در مورد کسانی که به ظاهر در اجتماع حضور دارند و نسبت به همه چیز، بی تفاوت هستند و هیچ واکنش و عکس‌العملی درباره مردم و رخدادهای جامعه از خویش نشان نمی‌دهد، می‌فرماید: به تن حاضر و به دل غایب، توان دیدن تان هست و چون کوران نمی‌بیند، توان شنیدن تان و چون کران نمی‌شنوید، توان سخن گفت نتان هست و چون لالان هیچ نمی‌گوید و نه درصدد گرفتن حقی هستید و نه در خیال رفع ستمی (نهج البلاغه: خطبه ۱۰۷-۱۲۳) در روایتی از امام صادق (ع) هم، در اهمیت مسئولیت‌پذیری گفته شده؛ کسی که صبح کند و به امور مسلمین اهتمام نداشته باشد مسلمان نیست. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹: ۳)

بر این اساس از تأکید مجموع آیات و روایات این‌گونه برداشت می‌شود؛ انسان متمدن اسلامی نه تنها به صرف زندگی اجتماعی‌اش؛ بلکه طبق سفارشات آموزه‌های تقلید که اساسنامه این تمدن کهن اسلامی را تشکیل می‌دهد، نسبت به هموعانش احساس مسئولیت دارد. از نمودهای بارز رفتاری که در تمدن اسلامی به نسبت دیگر تمدن‌ها جلوه بیش‌تری می‌نماید، همین حس مسئولیت و بی‌تفاوت

نبودن افراد می باشد. طبق منطق آموزه های سعادت بخش ثقلین انسان به عنوان موجودی مجزا از دیگران در نظر نگرفته شده؛ بلکه او را در رابطه با دیگران مطرح ساخته و وظایفی را نیز، برای او تعیین شده است و باید مسئول و متعهد باشد. انسان متمدن اسلامی نسبت به سرنوشت خویش و همنوعانش باید با تمام وجودش احساس مسئولیت کند.

نتیجه گیری

معیار تنظیم و تشکیل رفتار در تمدن اسلامی، ارزش های اخلاقی و هنجارهای آرمانی که در قالب دین و شریعت، از سوی خداوند به انسان، ابلاغ شده است. طبق این تحلیل، معیار سنجش رفتار، خود «دین» است؛ یعنی باید اعمال و رفتار انسان مطابق دین، سنجیده شوند. رستگاری و نیل به فضیلت های معنوی نیز منوط و وابسته به تهذیب نفس از تیرگی ها و آلودگی های نفسانی، عمل به «بایدها» و «نبایدها»ی دینی است. در صورتی که انسان، اعمال و رفتار خود را با بهره گیری از عقل و در راستای ارزش های دینی تنظیم و هدایت کند، به مرور زمان، ملکه ای در او ایجاد می شود که می تواند همچون عاملی درونی، در رفتار وی، نمود پیدا کند. براین اساس، زمانی که سنجش و شناخت جلوه های رفتاری افراد متمدن پرداخته شود؛ شاخص های یکسانی در رفتارشان نمود پیدا می شود. شاخص های ارزش- های واقعی یک انسان را به نمایش می گذارند. شاخص های هم چون؛ رفتار آزاد منشانه، برخورد فروتنانه و کریمانه، بصیرت محوری، پارسایی موحدانه، حق محوری، شادی مؤمنانه، تحمل پذیری هدف دارانه، صداقت ورزی، فداکاری اندیشمندانه، مسئولیت پذیری و.. است. این شاخص های رفتاری با تکیه بر آموزه های ثقلین تشکیل دهنده اساسنامه رفتاری افراد متمدن اسلامی را شکل می دهند. اساسنامه که موجب تمایز رفتار افراد این تمدن الهی در هر زمان و در هر کجا از این کره خاکی باشند، می گردد. از سوی دیگر، تمدن اسلامی را نیز، از ورطه سقوط و انحطاط نجات می دهد و سعادت دنیوی و اخروی افرادش را نیز تضمن می کند.

کتابنامه

قرآن کریم

نهج البلاغه

ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۳۳۶). العبر، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

ابن شعبه حرانی (۱۳۶۳). حسن بن علی، تحف العقول، به تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.

اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۷۱). فرهنگ و شبه فرهنگ، تهران، یزدان.

بوالهیری، جعفر (۱۳۷۸). آیات قرآنی در زمینه بهداشت روانی، تهران، انتشارات انستیتو روانپزشکی.

حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹). وسائل شیعہ، قم، موسسه آل البيت عليهم السلام، ج ۹.

حسکاني، عبيد الله بن عبد الله (۱۳۸۰). شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، ترجمه احمد روحانی، قم، دارالهدی.

حسینی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۴). اصول بهداشت روانی، مشهد، بی نا.

دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۶۷). تاریخ تمدن، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲). لغتنامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۸.

سید قطب، ابراهیم شاذلی (۱۴۱۲). فی ظلال القرآن، بیروت دارالشروق، ج ۴.

شیر، عبدالله (۱۳۸۳)، الاخلاق، مترجم: محمدرضا جباران، قم: هجرت.

طباطبائی، محمدحسین (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر

انتشارات اسلامی، ج ۱۱، ۱۳، ۱۵ و ۱۷.

طبرسی، فضل بن محمد (۱۳۶۰). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصرخسرو، ج ۱۳.

عمرانی، اسعد (۱۳۶۹). مالک بن نبی اندیشمند مصلح، ترجمه صادق آئینه‌وند، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۳۸۵). محجبه البيضاء فی احیاء الاحیاء، تهران، خوانساری، ج ۵.

قرائتی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ج ۱۰.

کلینی، محمدبن یعقوب (ق). اصول کافی، قم، دارالحديث، ج ۳ و ۱۴.

کاشانی، ملا فتح الله (۱۳۳۶). تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، انتشارات کتابفروشی محمد حسن علمی، ج ۵.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷)، الکافی، بتحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الإسلامية، ج ۲.

- لوکاس، هنری (۱۳۶۶). تاریخ تمدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران، انتشارات کیهان.
- مازلو، آبراهام (۱۳۷۴). افق های والاثر فطرت انسان، ترجمه احمد رضوانی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳). بحار الانوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ج ۳، ۶۶ و ۷۸.
- محمدری ری شهری، محمد (۱۳۶۲)، میزان الحکمه، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه، ج ۴.
- محمدری ری شهری، محمد (۱۳۸۹). مبانی شناخت، قم، دارالحدیث.
- مروتی، سهراب (۱۳۸۱)، تکامل انسان در آینه اخلاق، ایلام، انتشارات گویش.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۰). مجموعه آثار استاد شهید مرتضی مطهری، تهران، صدرا، ج ۲۳.
- مفید، محمد بن محمد (۱۳۶۴). الأمالی، ترجمه حسین استاد ولی، مشهد، آستان قدس رضوی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامی، ج ۶، ۷، ۲۱ و ۲۲.
- نجفی خمینی، محمدجواد (۱۳۹۸). محمدجواد، تفسیر آسان، تهران، انتشارات اسلامی، ج ۱۶.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۳۵۱). معراج السعادة، تهران، بی جا.
- هاشمی رکاوندی، سید هاشم (۱۳۷۵). تربیت و شخصیت انسان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ج ۱.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۴). نظریه برخورد تمدن ها، ترجمه مجتبی امیری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- هفته نامه صبح صادق، شماره ۴۲۰۰، ۲۰ مهر ۱۳۸۱.